

جنبش‌های ملی و سمت‌گیری اصولی آنها !

هرسال در نیمه اول تیر ماه صدها هزار نفر، به بهانه‌ی گرامی‌داشت سال‌روز تولد بابک خرم‌دین، قهرمان مبارزه با استبداد و استعمار خلافت بغداد و به خاطر مبارزه با رژیم جمهوری اسلامی ایران و ولایت فقیه و نیز دفاع از حق تعیین سرنوشت ملل ساکن ایران، در قلعه‌ی بابک واقع در کلبر، گرد می‌آیند. در این حرکت ملی، که به ابتکار افراد چپ، مترقی و دموکرات آذری و غیر آذری به وجود آمده، تعداد قابل ملاحظه‌ای از مردم از هر قشر و طبقه‌ای که مخالف رژیم هستند، شرکت می‌کنند. این حرکت، یکی از موفق‌ترین و وسیع‌ترین حرکت‌های توده‌ای ضد رژیم است که به دلیل وسعت اش و علیرغم تلاش دوگانه‌ی رژیم در کنترل و سرکوب آن، از گزند رژیم تاحدی در امان مانده و تلاش‌های رژیم در دستگیری فعالین این حرکت و یا ایجاد محدودیت برای رفت‌وآمد مردم به قلعه بابک، به جایی نرسیده و این حرکت همراه با حرکت‌های دیگر مردمی در سایر نقاط ایران می‌رود تا به سیل خروشان‌ی تبدیل شده و طومار عمر رژیم استبدادی ولایت فقیه را در هم پیچد.

در این جنبش نیز همانند سایر جنبش‌های مترقی، مرتجعین کشور، منطقه و جهان برای سرکوب و یا تغییر مسیر آن دست‌به‌دست هم داده و به ویژه در شرایط کنونی دخالت و تجاوز امپریالیستی به منطقه‌ی خاورمیانه، با طرح شعارهایی به‌غایت ارتجاعی و نسبت دادن جنبش به خود، در جهت برافروختن آتش دشمنی ملل ساکن منطقه، تلاش می‌کنند.

علیرغم این که در بیانیه‌ی "مجمع دانشگاهیان آذربایجان" (۱۳ تیر ۱۳۸۲)، از حرکت به سوی قلعه بابک دفاع شده و آمده است که "این حرکت ملی جزو حرکت‌های ناسیونالیستی سنتی به حساب نمی‌آید و از حیطه‌های خشک و متعصبانه‌ی ایدئولوژیکی و ... برتری طلبی قومی..." به دور است، اما افراد معلوم‌الحالی که در اقلیت محض قرار داشته و وابسته به پان‌تورکیستها، گرگان خاکستری به اصطلاح طرفدار "توران بزرگ" و ناسیونالیست‌های افراطی آذربایجان شمالی، می‌باشند، سعی می‌کنند این جنبش را به خود نسبت داده و چنین وانمود کنند که اساس حرکت ملی، ضدیت با ملیت‌های دیگر و از جمله فارس و کرد و ارمنی و ... می‌باشد. بعضی از این افراد که تا دیروز از کاسه‌لیسان رژیم بودند، از آنجا که توسط رژیم به بازی گرفته نشدند، با استفاده از محبوبیت رهبران تاریخی مبارزه با استبداد و استعمار ملت آذربایجان نظیر ستارخان و نسبت دادن خود به آنها، شعارهای سوپر شوونیستی و ارتجاعی را در حرکت روزهای ۱۲ و ۱۳ تیر مطرح ساختند.

در نشریه‌ی "باقیمسزلیک" (استقلال)، مورخ ۵ ژوئیه ۲۰۰۳، در گزارش از حرکت روزهای ۱۲ و ۱۳ تیر به سوی قلعه بابک، شعارهای زیر را نقل شده‌اند: "روس، فارس، ارمنی؛ بوتون تورکون دشمنی" (روس، فارس، ارمنی؛ همه دشمن ترک‌اند)، "ایران یوردون آتمیشیق؛ توران یوردون تاپمیشیق" (سرزمین ایران را رها کرده؛ سرزمین توران را یافته‌ایم)، "آزاد اولسون قاره داغ؛ محو اولسون ارمنستان" (آزاد شود قره‌داغ، محو شود ارمنستان)، "روس، فارس قیریلسین؛ منیم دیلیم دیریلسین" (روس، فارس از دم تیغ بگذرند؛ تا زبان من زنده شود!) و ...

نگاهی گذرا به این شعارهای تراویده از اذهان بیمارگونه، نشان می‌دهد که این گونه شعارها نه تنها ضرری به جمهوری اسلامی نمی‌رسانند، بلکه تکامل یافته‌ی حرکت رژیم علیه ساکنین ایران و منطقه می‌باشند. مگر نه این بود که در اوایل انقلاب و برادر کشی به راه انداخته شده توسط شیخ مرتجع، ملا حسنی، در بسیج آذربایجان منطقه نقده علیه کردها، باعث شد تا صدها نفر انسان زحمت‌کش به خاک و خون در غلتیدند و هزاران خانه آنان ویران شد و رژیم توانست سلطه‌ی خود را در منطقه محکم سازد. این امر نشان می‌دهد که برافروختن آتش دشمنی ملل فقط به نفع دشمن کلیه‌ی این ملل تمام می‌شود! یا شعار پان‌تورکیسم، با بی‌توجهی به فقر و فلاکت توده‌های وسیع خلق ترک در ترکیه عملاً به قتل‌عام‌های ارمنه، مردم یونانی تبار ساکن ترکیه و کردها، مهر تایید می‌زند.

این گونه شعارها فاقد هرگونه محتوای مترقی و مردمی می‌باشند. لازم به یادآوری نیست که "هرملتی که بر ملت دیگر ستم روا دارد، خود ملتی آزاد نیست". و به این اعتبار، خلق آذربایجان زمانی آزاد شده و به حقوق حقه‌ی خود خواهد رسید که تمام ملل منطقه از جمله خلق‌های کرد، ارمنی، فارس، عرب،

ترکمن، بلوچ و غیره به حقوق حقه ی ملی خود دست یافته باشند. زیرا از نظر تاریخی، از زمانی که طبقه ی کارگر در مبارزه علیه بورژوازی توانست با شلیک توپهای انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه، قطب انقلابی خود را در جهان به وجود آورد و آزادی ملل ساکن روسیه را در تعیین سرنوشت خویش به رسمیت بشناسد، در حالی که امپریالیستها در همان زمان برای تقسیم جهان به مناطق نفوذ خود مشغول بوده و حتا به جنگ جهانی اول دست زده بودند، حرکتهای ملی در جهان تنها در صورتی مترقی بوده و به رهایی ملت خودی موفق می شدند که در پیوند نزدیک با طبقه ی کارگر در هرکشور و تحت رهبری آن و در مبارزه علیه ارتجاع داخلی و امپریالیسم پیش بُرده شوند.

نمونه ی ترکیه در برابر مااست که از زمان به قدرت رسیدن ترکهای جوان و بعدا کمالیستها تا به امروز، این کشور تحت رهبری بورژوازی ترکیه، در زیر چتر حمایتی نازیسم، امپریالیسم، پیمان تجاوزکار ناتو و به مثابه پایگاه امپریالیسم در خاورمیانه - همانند دولت صهیونیستی اسرائیل- موجودیت یافته و از ترکیه زندان بزرگی برای ملل ترک و غیر ترک ساخته است.

حزب رنجبران ایران، ضمن دفاع بی قید و شرط از حق کلیه ی ملل ساکن ایران در تعیین سرنوشت خویش تا سرحد جدایی و تشکیل دولتهای ملی خودی و دفاع از اتحاد داوطلبانه ی ملل ساکن منطقه و برخورداری آنها از حقوق کاملا مساوی، عمیقا اعتقاد دارد که سرنوشت ملل تحت ستم ایران با سرنوشت طبقه ی کارگر ایران گره خورده و تا زمانی که طبقه ی کارگر و زحمت کشان ایران از طریق انقلاب پرولتاریائی قدرت حاکمه را به دست نیاورده و جمهوری فدراتیو شورائی خود را ایجاد نمایند، هرگز شرایط مناسبی برای آن که ملل ساکن ایران بتوانند آزادانه سرنوشت خویش را تعیین نمایند، فراهم نشده و حرکتهای ملی به بازی چه دست امپریالیسم تبدیل شده و رهایی ملی حاصل نخواهد شد و ستم ملی در اشکال گوناگون ادامه خواهد یافت.

زنده باد حق ملل در تعیین سرنوشت خویش !

زنده باد اتحاد داوطلبانه ی ملتها با حقوق کاملا مساوی !

مرگ بر شوونیستهای حاکم و یا در اپوزیسیون !

زنده باد آزادی؛ زنده باد سوسیالیسم، رها کننده ی واقعی ملل !

۱۶ تیر ماه ۱۳۸۲ - حزب رنجبران ایران